

مبانی فقهی و اصول حاکم بر سیاست جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین الملل
جواد علیایی^۱ - طیبه عارف نیا^۲ * - عباس سماواتی^۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

چکیده:

کشورها بدون ایجاد روابط در عرصه جهانی قادر به اداره حکومتشان نیستند. برقراری هر ارتباطی نیازمند در نظر گرفتن مصلحت و شناخت طرف مقابل بوده که در عرصه روابط بین-الملل بدون شناخت دشمن این روابط منجر به نابودی و استثمار کشور مقابل می گردد. کشور ایران که زمانی روابط در همه عرصه‌ها بر اساس خواست و تامین منافع کشورهای مقابل بوده است، بعد از پیروزی انقلاب رابطه با استعمارگران به دلیل عدم تامین مصالح قطع و همین موضوع باعث دشمنی گردید. سوال اینست که ضرورت دشمن شناسی در روابط بین‌المللی چه جایگاهی داشته و در حالت اضطرار برقراری روابط آیا نافی ضرورت شناخت دشمن می‌باشد؟ این مقاله با بهره گیری از روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ آن و بررسی دشمن از دیدگاه قرآن و روایات و اصول حاکم بر سیاست خارجه و نفی هرگونه ارتباط یک طرفه و تسلط بیگانگان بوده و مذاکرات را منوط به شناخت دشمن و توطئه‌های آنها می‌داند.

واژگان کلیدی: دشمن شناسی، مبانی فقهی روابط، اهداف و دسیسه‌ها، روابط اضطراری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

JPIR-2205-2105

^۱ - دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی^(ع) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ - استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی^(ع) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران: نویسنده مسئول
tarefnia@gmail.com

^۳ - استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی^(ع) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

دشمن، گاهی در عرصه سیاسی بروز می‌کند، گاهی دشمن اقتصادی است، گاهی دشمن فرهنگی و اخلاقی است، گاهی خصومتش را در عرصه نظامی اعلام می‌نماید و گاهی از معبر فرهنگ و اندیشه وارد می‌شود. پس شناخت میدان‌ها و زمینه‌های هجوم و ضربه زدن هم متفاوت است و باید این میدان‌ها را شناخت. از این‌رو دشمن‌شناسی از شناخت‌های مهمی است که متولیان حکومتی و سیاستمداران و فعالان در عرصه اقتصادی و اجتماعی و.. باید به آن حساسیت نشان دهند و هوش یار باشند تا با غفلت از دشمن در دام و سیطره آنها غافل گیر نشده و ضربه نخورند. در دین اسلام شناخت دشمن یک امر مهم و ضروری است. اهمیت دشمن‌شناسی در رویارویی با آنها مشخص می‌شود. اگر اطلاعات کافی در مورد دشمن وجود نداشته باشد به احتمال زیاد محکوم به شکست خواهد بود. به هر میزان گستردگی شناخت از دشمن وسیع تر باشد قدرت ابتکار عمل و مقابله و دفع ضرر و خطر بیشتر خواهد بود. آگاهی از دشمنان و توطئه آنها و شناخت از ترفندها و حيله‌های آنها باعث پیروزی و جلوگیری از خسارت و ضرر بوده و ابتکار عمل با او خواهد بود.

در حکومت دینی و اسلامی در جهت حفظ کيان حکومت و بقاء آن باید ضمن شناخت دشمن مواضع توطئه و دسيسه‌های سیاسی و اقتصادی آنها در برقراری روابط بوده تا دچار سردرگمی و سلطه پذیری نشوند. آنچه که به‌عنوان یک امر لازم در ایجاد روابط بین‌الملل لازم می‌آید شناخت طرف مقابل و آگاهی از نيات و اهداف آنها می‌باشد. دین مبین اسلام به‌دلیل و بواسطه تاثیر- گذاری عملی اسلام سیاسی در عرصه‌های بین‌المللی یکی از محورهای اصلی مطالعاتی قرار گرفته است. برای مطالعه نسبت بین دین اسلام و روابط بین‌الملل پرداختن به هر دو وجه موضوع ضرورت دارد؛ یعنی توجه به آموزه‌های اسلام در کنار توجه به الزامات روابط بین‌الملل. با این نگاه نه تنها امکان بررسی مناسب تأثیر دین بر روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه الزامات طرح به‌نگام و به روز مباحث دینی در مواجهه با مسائل بین‌المللی را به شکل ایجابی و نه صرفاً سلبی فراهم می‌آورد. تأکید دین در مورد حکومت اسلامی بر شناخت‌ها و به- خصوص شناخت از طرف مقابل می‌باشد. شناخت دشمن از یک سوء و برقراری ارتباط با طرف مقابل که دشمن نباشد از سوی دیگر، الزامات مهم در برقراری و ارتباط و مذاکرات در سطح بین‌الملل می‌باشد. در مورد مذاکره جامعه اسلامی با دشمنان باید تعریف و حدود داشته باشد و هر نوع مذاکره و تعامل بین‌المللی که سرنوشت حکومت و مردم را مورد تهدید و خطر قرار دهد باید قطع گردد. لذا در این مقاله اول به موضوع دشمن‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات پرداخته شده و در ادامه به بحث اهمیت دشمن‌شناسی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجه

و همچنین ایجاد روابط در حالت اضطرار و ضرورت شناخت دشمن، پرداخته می شود.

پیشینه پژوهش

- مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی؛ سید صادق حقیقت؛ سیاست خارجی دولت اسلامی از یک طرف بر مبانی برون دینی و درون دینی، اصول و اهداف سیاست خارجی و از طرف دیگر بر اصول علمی و اصل واقعگرایی تکیه می زند. مهمترین اصول سیاست خارجی دولت اسلامی عبارتند از: اصل مصلحت، اصل دفاع از سرزمین و منافع مسلمانان، اصل نفی ولایت کافران، اصل وفای به عهد، اصل همزیستی مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، اصل مقابله به مثل و اصل تقیه. کتاب حاضر سعی دارد نسبت مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی - بالاخص صورت تراحم آنها - را بررسی کند و سپس با دیدگاهی واقع گرایانه روابط دولت اسلامی با دولت های مدرن و سازمان های بین المللی در عصر حاضر را براساس مبانی فقه سیاسی شیعه بحث گذارد.

- فقه و سیاست در ایران معاصر؛ داود فیرحی؛ فقه سیاسی به ارزیابی ماهیت دولت، جامعه سیاسی و شکل های متفاوتی از نهادها و تشکل های داوطلبانه علاقه مند است که از مختصات جامعه مدنی مدرن شمرده می شوند. اما این ارزیابی به فهم دو چیز بستگی دارد: یکی، حضور معمایی فقه سیاسی در جامعه پیچیده امروز و دوم، بنیاد مذهبی سیاست مدرن در جهان اسلام. در چنین شرایطی، شاید بتوان در موقعیت معرفتی مناسب قرار گرفت و درصدد پاسخ به دو مساله معمایی زیر برآمد: - چگونه ممکن است چنین ارزش های مردم سالارانه ای که اکنون در نظام های سیاسی جدید، نهادینه شده یا در حال نهادینه شدن هستند، ضمانت فقهی بیابند؟ - بینش فقهی - سیاسی برخاسته از جامعه ای ایمانی چه نقشی در حوزه گفت و گوی عمومی و سیاست جامعه ای اسلامی در عصر ما دارد یا می تواند داشته باشد؟ به هر صورت آیا چنین اقتضایی که ارزش های ایمانی، بنیادی اخلاقی برای زندگی مردم سالارانه امروز فراهم کند در فقه سیاسی نیز در جامعه سیاسی ما وجود دارد؟ یا اینکه این دو، به اقتضای زمان و مکان، نوعی از «ناچسب ترین اتحادها» را «تجربه» یا حتی زیر فشارها ضرورت ها «تحمل» می کنند؟ به نظر نمی رسد که تامل در این پرسش های حیاتی تاخیرپذیر باشند. این کتاب در صدد مشارکت در چنین مباحث مهمی است.

- مبانی فقهی سیاست خارجی اسلام؛ وطنی؛ سیاست یک بحث گسترده و پردامنه در دریای ژرف که تنها شماری بسیار اندک را توان رسیدن به ژرفا و کرانه های آن و همینطور یکی از قدیمی ترین فعالیت های انسان ها است. سیاست در ادوار گوناگون زندگی بشر با برداشت های متفاوت مواجه و تعاریف مختلف از آن ارائه شده است. در یونان باستان سیاست یعنی

رسیدن انسان به سعادت. در قرون وسطی به معنای رستگاری انسان و در عصر جدید به مفهوم آزادی و رسیدن انسان به قدرت به کار رفته است. در کتاب حاضر مبانی فقهی سیاست خارجی اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

- راهبردهای سیاست خارجی اسلام در حوزه روابط با کفار نوشته علی صبوحی طسوجی است که به تدبیر در سوره مبارک ممتحنه پرداخته است. درس گفتار «راهبردهای سیاست خارجی اسلام در حوزه روابط با کفار» حاصل سه جلسه ارائه تدریسی سوره مبارک ممتحنه توسط حجة الاسلام علی صبوحی است و در پاییز سال ۱۳۹۲ ایراد شده است.

- فقه روابط بین‌الملل: نگاه فقهاء به نظام بین‌الملل معاصر؛ ساداتی نژاد و کلانتری؛ در جلد دوم از کتاب «فقه روابط بین‌الملل» به بررسی مفاهیم مهم «دارالاسلام و دارالکفر»، «دارالحرب» و سایر مفاهیم سرزمینی در فقه روابط بین‌الملل پرداخته می‌شود و پس از بررسی نظرات فقهای در چهار دوره فقهی «پیش از صفویه»، «صفویه»، «مشروطه» و «انقلاب اسلامی» نقشه جهان امروز براساس این مفاهیم که از نظر مولفان همچنان در فقه روابط بین‌الملل دارای اعتبار است، ارائه می‌شود.

- فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام؛ امید زنجانی؛ در میان مباحث مختلف فقه و حقوق اسلامی شاید بخش‌های مربوط به فقه سیاسی بیشتر از هر بخش دیگر فقه، حالت نظریه پردازی و خصلت کلی گویی دارد و در این میان، جنبه‌های نظری مباحث حقوق بین‌الملل اسلام از دیگر مباحث بیشتر است. امروزه تحولات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رخدادها و پیامدهای استقرار نظام اسلامی در ایران در بُعد منطقه‌ای و جهان اسلام و نیز در سطح بین‌المللی می‌تواند گواهی بر ضرورت کاربردی کردن فقه اسلامی باشد. قراردادی کردن روابط بین‌الملل یکی از اصولی‌ترین راه‌های بنیادی است که اسلام در مباحث حقوقی بر آن تأکید می‌ورزد. این تأکید در آن حد است که از دیدگاه قرآن، در صورت شکست خوردن این روش اصولی در روابط بین‌الملل، هیچ راه حلی جز مخاصمات مسلحانه باقی نمی‌ماند.

مطالب کتاب در شش فصل تنظیم شده است. بخش پایانی کتاب شامل ضمیمه‌هایی با عنوان احکام اهل ذمه و منابع است.

- رهیافت فقهی در حقوق بین‌الملل؛ حائری؛ جلد اول از کتاب حاوی مباحث کلی در حوزه حقوق بین‌الملل عمومی اسلام است. فصل اول کتاب به طرح کلیاتی چون واژه شناسی فقه، حقوق و حقوق بین‌الملل و دیگر مفاهیم و واژگان مرتبط، ضرورت حقوق بین‌الملل و دلایل

ترجیح دیدگاه مثبتان بر نافیان، موضوع حقوق بین الملل، پیشینه حقوق بین الملل در گذشته تاریخ، نقش بنیادی ادیان و به ویژه اسلام در ارائه الگویی از نظام حقوق و روابط بین الملل و سرانجام دیرینه‌ی تحقیق و تصنیف در موضوعات حقوق بین الملل و سیر نگارش اولیه کتب جهاد و سیر توسط فقیهان اسلامی قرون نخست اختصاص یافته است. فصل دوم کتاب به هدف بررسی مبانی مکتب حقوق بین الملل اسلامی تدوین شده؛ فصل سوم به بحث تفصیلی منابع حقوق بین الملل اختصاص دارد. فصل چهارم، روابط بین المللی در نظم کنونی یا رهیافت فقهی در روابط ملل عنوان یافته است. در فصل پنجم و در امتداد مباحث حوزه روابط ملل، مهمترین بنیان‌های حاکم بر روابط بین المللی اسلام مطرح شده است.

مفهوم شناسی دشمن

الف: معنای لغوی

معادل‌های عربی واژه دشمن که بکار رفته عبارتند از: «العدو» و «الخصم» از ماده عدو به معنای تجاوز کردن از کاری است که حقیقتاً عدم تجاوز از آن می‌باشد، تجاوز و در گذشتن از حدّ است که با التیام منافات دارد، یعنی با بهبودی بخشیدن و سازگاری دادن میان دو چیز تفاوت دارد. در النهایه و التحقیق نیز همین معنی آمده است. دشمن در فارسی به معنی زشت ذات و زشت خوی است، مرکب از «دش» به معنی بد و زشت و «من» به معنی نفس و ذات.

ب: معنی اصطلاحی

دشمن در اصطلاح مفسران به کسی اطلاق می‌شود که ضرر می‌رساند. اصطلاحات هم معنی با آن عبارتند از: حریف، مخالف، ضد، معرض و عدوّ. عدوّ یعنی دشمنی که در قلب به انسان عداوت دارد و در ظاهر مطابق آن رفتار می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: انّ الکافرین کانوا لکم عدوّاً مبیناً (نساء، ۱۰۱)

ضرورت دشمن شناسی از دیدگاه قرآن

قرآن کریم نسبت به شناساندن دشمن حساسیت و دقت خاصی نشان داده و آیاتی از قرآن کریم به آن اختصاص دارد. در تفسیر الصافی جلد یک صفحه ۱۴ از امام محمد باقر^(ع) روایتی نقل شده است که می‌فرماید: قرآن بر سه قسمت نازل گردیده که یک سوم آن، درباره ما و دوستان ما و یک سوم، درباره دشمنان ما و پیشینیان ما و یک سوم، روش‌ها و امثال است. در خصوص اهمیت دشمن شناسی و توجه خاص قرآن کریم بقدری مهم است که آیات دشمن شناسی بیش از آیات الاحکام بوده و در آغاز ۹ سوره از قرآن کریم به مسئله دشمن شناسی توجه داده است. سوره‌های براءت، احزاب، محمد، ممتحنه، منافقون، معارج، بینه، کافرون و مسد سوره-هایی هستند که ذکر شد. واژه‌های عدو و اعداء حدود ۲۸ بار در قرآن تکرار شده است.

بحث شناخت دشمن در قرآن کریم مورد توجه ویژه قرار گرفته است. خداوند متعال در آیات متعددی دشمنان جبهه حق را معرفی می‌کند تا مسلمانان آنان را بهتر بشناسند و به مبارزه با آنها بپردازند. دشمن در اصطلاح لغویان و مفسران به کسی که ضرر می‌رساند و نیز هر آنچه انسان را از راه مستقیم منحرف سازد و موجب عدم اطاعت انسان از خدا شود، اطلاق می‌شود. قرآن کریم شش گروه از دشمنان را نام برده است: ۱- شیطان و همراهان او ۲- نفس اماره ۳- برخی از همسران و فرزندان ۴- کفار و مشرکان ۵- برخی از اهل کتاب به ویژه یهودیان ۶- منافقان می‌توان این شش دشمن را در یک تقسیم‌بندی کلی به سه گروه تقسیم کرده و مورد بررسی قرار داد: دشمن ایمانی (درونی یا پنهان)، دشمن خارجی، دشمن داخلی. نکته حایز اهمیت در مورد دشمن شناخت روش‌ها و ابزارهای آنها می‌باشد. در قرآن کریم به چند واژه مهم در مورد دشمنان اشاره شده است. اولین واژه در مورد دشمن استفاده از «کید» است. کید عبارتست از حيله و نیرنگ و فریب دادن (لسان العرب، ج ۳: ۳۸۳) قرآن کریم می‌فرماید: اینهم یکیدون کیدا و اکید کیدا (طلاق، ۱۵-۱۶) در این آیه شریفه که راجع به کافران می‌باشد که کید می‌کنند و دام‌ها و کیده‌های کافران و منافقین برآمده از اوام و افکار شیطانی آنها می‌باشد. دومین واژه در قرآن «مکر» و مشتقات آن می‌باشد که در قرآن ۴۳ بار تکرار شده است. مکر به معنی خدعه و نیرنگ در خفا می‌باشد. هرگاه کسی را با حيله بازی از هدفش بازدارند به آن مکر می‌گویند. (لسان العرب، ج ۵: ۱۸۳) قرآن می‌فرماید: و مکروا و مکرا الله و الله خیر الماکرین. (آل عمران، ۵۴) مکر و حيله از صفات بسیار مذموم و از کارهای زشت برشمرده شده است. باید این نکته را دانست که مکر در لغت عرب با آنچه در فارسی مصطلح می‌باشد تفاوت زیادی دارد. در زبان فارسی مکر به نقشه‌های شیطانی و زبانبخش گفته می‌شود اما در لغت عرب هر نوع چاره‌اندیشی را مکر می‌گویند که گاهی خوب و گاهی زیان‌آور است. (تفسیر نمونه، ج ۲: ۴۲۹) سومین واژه ضلال است. این واژه ۱۸۹ بار در قرآن آمده است. سومین واژه ضلال است. این واژه و مشتقات آن ۱۸۹ بار در قرآن کریم آمده است. ضلل به معنای انحراف از حق است و مقابل آن، هدایت و یافتن راه حق می‌باشد. ضلل ضد هدایت و راستی است. (لسان العرب، ج ۱: ۳۹) در آیات قرآن کریم زیادی اشاره به این واژه دارد، مانند آیه شریفه ذیل که چنین آمده است: و أضل فرعون قومه و ما هدی؛ فرعون قوم خود را گمراه ساخت و هرگز هدایت نکرد. (طه، ۷۹) چهارمین واژه کفر است. این واژه و مشتقات آن در قرآن ۵۲۴ بار به معنی پوشش آمده است. (المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱: ۵۳) کفر در لغت به معنی پوشیده شدن چیزی است و شب را هم بخاطر اینکه اشخاص و اجسام را با سیاهی‌اش می‌پوشاند با واژه کافر وصف کرده‌اند و زارع را هم که پیوسته بذر و دانه را در زمین می‌افشاند

و در خاک پنهان می‌کند کافر می‌گویند. (المفردات فی کلمات القرآن، ج ۱۰: ۱۷۹)) کفر دارای مراتبی است که در بحث دشمن شناسی باید مورد توجه قرار گیرد. پنجمین واژه صد است. این واژه و مشتقات آن ۴۲ بار در قرآن آمده است. صد به معنای منع کردن و بازداشتن و نیز اعراض و روگردانی است که نزدیک به کفر است. (مجمع البحرین، ج ۳: ۸۳) خداوند در قرآن کریم سوره نساء می‌فرماید: إذا قیل لهم تعالوا إلی ما أنزل الله و إلی الرسول رایت المنافقین یصدونک عنک صدوداً؛ و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده (نساء، ۶۱) و به سوی پیامبر بیایید، منافقان را می‌بینی که (که از قبول دعوت) تو، اعراض می‌کنند. ششمین واژه خدع است. این واژه و مشتقاتش ۵ بار در قرآن آمده است. خدعه به معنای فریب دادن و نیز قصد بدی نسبت به دیگران است، بگونه‌ای که از دید طرف مقابل پنهان باشد. اخداع (خدعه) به معنی مخفی کردن چیزی است و به این دلیل به خزانه مخدع گویند. (التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۳: ۲۶) در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: إنّ المنافقین یخادعون الله (نساء، ۱۴۲) و یا در آیه دیگر می‌فرماید: یخادعون الله و الذین آمنوا و ما یخدعون إلاً أنفسهم و ما یشعرون. (بقره، ۹) آیه نشانگر اینست که دعوی آنها مبنی بر خدعه و مکر است. هفتمین واژه عدو است. این واژه و مشتقات آن ۱۰۶ بار در قرآن کریم آمده است. العدو از ماده «عدو» به معنای تجاوز کردن از کاری است که حقیقتش عدم تجاوز از آن می‌باشد. (کتاب العین، ج ۲: ۳۱۳) در قرآن در سوره ممتحنه خداوند می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم أولیاء یعنی دشمن و شمنان خودتان را اولیای خود نگیرید. (ممتحنه، ۱) هشتمین واژه بطلانه است. بطلانه به معنای لباس زیرین و کنایه از محرم اسرار است. (المفردات فی غریب القرآن، همان: ۵۱) بطلانه به معنی همراز و کسی است که به باطن امر و اسرار مطلع باشد. از این رو خداوند فرموده است: جز از خودتان همراز نگیرید، کفار را به باطن امر مطلع نگردانید و با آنها مشورت نکنید، آنها در ناراحت کردن شما کوتاهی ندارند. (قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۰۲) در سوره آل عمران آیه ۱۱۸ خداوند می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطلانه من دونکم.

ضرورت دشمن شناسی از دیدگاه روایات

با بررسی و تامل در سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) موضوع دشمن شناسی بسیار مورد توجه و اهتمام ایشان بوده است. آنچه در تاریخ ثبت و ضبط شده است در میان ائمه (ع) و امام علی (ع) در زمان حکومت خود با توجه به نوع حکومتداری و شرایط خاص زمانی با دشمنانی روبرو بوده که در عصر هیچکدام از ائمه و رسول خدا روبرو نبوده‌اند. در روایتی از خود امیر المومنین (ع) نقل شده که فرمودند: هر کس نسبت به دشمن خود بخوابد (بی تفاوت باشد) مکرها و حيله‌ها بیدارش می‌کند. (غررالحکم و دررالحکم، ج ۱: ۶۸) درباره ضرورت شناخت دشمن از رسول خدا

چنین نقل شده است که: «ألا وأنّ أَعقل النَّاسِ عبدُ عرفِ ربِّه فأطاعه و عرف عدوّه فعصاه. (بحار الانوار، ج: ۱۷۹) آگاه باشید عاقل‌ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند و دشمنش را نیز بشناسد و آن‌گاه نافرمانیش کند. با توجه به این حدیث از نشانه‌های انسان آگاه و عاقل خدانشناسی و دشمن‌شناسی بیان شده است.

حضرت علی^(ع) به اشاره به اهمیت دشمن و آگاهی دهی از کید و حيله آنها می‌فرماید: «شر الاعداء ابعدهم غورا و اخفاهم مکیده/ بدترین دشمنان کسی است که عمیق‌تر بوده و بیشتر کیدش را مخفی می‌دارد. در سخنی دیگر فرمود: «اکبر الاعداء اخفاهم مکیده/ بزرگ‌ترین دشمنان کسانی‌اند که حيله خود را بیشتر پنهان می‌دارند». (کاشف الغطاء، ۱۳۵۴ق: ۱۵۹) این دشمنی خطرناک‌ترین دشمنی‌ها است. حضرت در مورد کوچک نشمردن دشمن می‌فرماید: «لا تستصغرن عدوا وإن ضعف؛ هرگز دشمن را کوچک مشمار، هرچند ضعیف باشد». (ابوالفتح آمدی، ۱۳۷۵: ۳۴۰)

ضرورت دشمن‌شناسی

۱- لزوم بصیرت در دشمن‌شناسی در مذاکرات و تعاملات بین‌المللی

شناخت دشمن یکی از مسائل مهم و تاثیرگذار در عرصه ارتباط بین‌المللی می‌باشد. کشوری که به دنبال ایجاد روابط و گسترش آن در سطح بین‌المللی می‌باشد باید از طرف مقابل خود که با آن رابطه ایجاد می‌کند شناخت کامل داشته باشد تا دچار سر درگمی نگردیده و یا بواسطه عدم شناخت دشمن خود کشورش را زیر سیطره کشور بیگانه قرار ندهد. گاهی اوقات دشمنان خودشان را به‌عنوان دوست نشان می‌دهند و گاهی گرگانی در لباس میش جلوه می‌نمایند. شناخت درست از دشمن یک موضوع حیاتی در روابط بین‌دول می‌باشد. درک درست از طرف مقابل و شناخت آن مزایایی دارد که به آن اشاره می‌گردد:

الف- دفع دشمن: اگر کشوری شناخت درست و قوی از طرف مقابل خود داشته باشد دچار حيله و نیرنگ آن نشده و دشمن را دفع می‌کند. یعنی دفع حيله و توطئه دشمن منوط به شناخت صحیح و درست از دشمن می‌باشد.

ب- عامل استقلال: یکی از عوامل مهم در قوام و پابرجایی یک کشور و استقلال آن شناخت درست از دشمن خود است. اگر کشوری تن به روابط و تعاملاتی بدون شناخت از طرف مقابل بدهد چه بسا استقلال کشور خود را از دست داده و کشورش به‌عنوان مستعمره و یا وابسته آن کشور می‌گردد.

ج- جلوگیری از تاراج و چپاول و سلطه: دشمن‌شناسی و شناخت طرف مقابل در ایجاد روابط باعث جلوگیری از انعقاد پیمان‌ها و قراردادهایی می‌گردد که کشور مورد تاراج و چپاول

و سلطه قرار نگیرد. معمولاً دشمن با چهره دروغ و نیرنگ و خدعه وارد شده و با تظاهر به حسن نیت صدمات و لطمات زیادی را به آنها وارد می‌آورد.

- علل و چرایی دشمن شناسی

نکته مهمی که باید همواره درباره دشمن مورد توجه قرار گیرد و هرگز از آن غفلت نشود، دانستن علل و چرایی دشمنی است. اگر علل دشمنی عقیدتی باشد، هرگز نمی‌توان با تغییر راهبرد و سیاست، این دشمنی را به دوستی تبدیل کرد. گاهی انسان با دیگری دشمن است به خاطر خطایی که کرده یا مالی را برده و یا جانی را گرفته یا سرزمینی را غصب و اشغال کرده است. این دشمنی، آنچنان ریشه‌ای نیست که نتوان آن را حل و فصل کرد. اما وقتی عمق دشمنی به عقیده می‌رسد، دیگر به سادگی قابل حل و فصل نیست، مگر اینکه یکی از دو طرف مغلوب عقیده دیگری شده یا دست از عقیده خود بردارد.

به هر حال، وقتی علل و چرایی دشمنی میان دو گروه یا دو ملت یا دو دولت براساس عقیده باشد، به سادگی نمی‌توان آن را از میان برد، مگر آنکه یکی از این دو عقیده خود را کنار نهد. دشمنی امروز ایران اسلامی با استکبار جهانی مبتنی بر همین تضاد عقاید است. بنابراین، اگر صلح و دوستی ایجاد می‌شود یا مبتنی بر عقب نشینی از اصول خواهد بود یا تاکتیک و سازوکار مقطعی است تا شرایط مناسب برای حمله و هجوم و حذف آن دیگری فراهم آید.

شهید مطهری به خوبی نحوه ارتباط با بیگانه از نگاه قرآن را بیان می‌کند: «قرآن منشأ اصلی خطر را گوشزد می‌کند. آنها وقتی دوست دارند، تنها دوستی و تمایلشان نیست، بلکه برای نیل به این هدف می‌کوشند و از هر راهی جدیت می‌کنند. همه اینها ایجاب می‌کند که روابط مسلم با غیر مسلم، محتاطانه باشد. مسلمان از خطر غافل نماند. فراموش نکند که عضو یک جامعه توحیدی است و آن غیر مسلم عضو یک پیکر و جزء یک اجتماع دیگر است، اما هیچ یک از آنها ایجاب نمی‌کند که مسلمان با غیر مسلمان به کلی قطع ارتباط کند، روابط اجتماعی و اقتصادی و احیاناً سیاسی نداشته باشد. البته همه مشروط است {به این} که منطبق با مصالح کلی جامعه اسلامی بوده باشد. (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۶۲)

یکی از موضوعاتی که در عرصه بین‌الملل برای کشورها حائز اهمیت می‌باشد توجه دادن دولتمردان به مسئله دشمن شناسی دقیق و سهل نگرفتن نقشه‌های دشمن است. هوشیاری مسئولان در برابر رفتار منافقانه دشمن و همچنین اهمیت شناسایی موقعیت خود و دشمن برای مقابله یک شرط لازم و اساسی در حفظ اقتدار و عزت ملی کشور است. در جهان امروز هر کشوری اگر اراده قوی و تصمیم جدی و بصیرت لازم در جهت برقراری ارتباط با سایر کشورها داشته باشد در برابر دشمنان و خدعه آنها ایمن خواهند بود. ضرورت شناخت درست دشمن و عمق

دشمنی او با کشورها رمز پیروزی و بقای هر کشوری می‌باشد. در ایجاد روابط خارجی باید دنبال عزت ملی و مرزبندی با دشمن بود. آن چیزی که راه عزت ملی را تضمین می‌کند و روابط خارجی و بین‌المللی را به نفع کشوری رقم می‌زند پایداری و استقامت در زمینه حفظ کشور و شناخت از دشمن است.

- برقراری روابط بین‌المللی در حالت اضطرار از بین برنده ضرورت شناخت دشمن نیست -
قاعده اضطرار در نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل علاوه بر اشتراکات تفاوت‌هایی هم باهم دارند که در حقوق بین‌الملل مسئولیت صرفاً ناشی از تخلف نسبت به اجرای تعهدات است و چون اضطرار از بین برنده ماهیت خلافکارانه عمل است، جبران خسارت ناشی از اضطرار ضروری نیست؛ در حالی که در حقوق اسلام، هر کس به دیگری آسیب برساند، مسئول جبرات خسارت وارده است و اضطرار برماهیت عمل اثر نمی‌گذارد.

موضوع دیگر تفاوت اضطرار و ضرورت می‌باشد. در حقوق بین‌الملل این دو باهم متفاوت هستند اما در حقوق اسلامی برخی این دو را یکی می‌دانند (شرایع الاسلام، ج ۲: ۱۸۱) و برخی ضرورت را وسیع‌تر از اضطرار و مواردی که مصالح و منافع حیاتی اسلام و جامعه اسلامی به خطر می‌افتد را نیز مشمول آن می‌دانند. حضرت امام خمینی^(ع) می‌فرماید: إن الضرورة اعم من الاضطرار من حيث المورد فرما لا يضطر الانسان على شيء لكن الضرورة تقتضي الاتيان به كما اذا كان فيترکه ضرر على حوزة المسلمین او رئیس الاسلام او كان مورثا لتهلك حرمه مقام محترم. ضرورت به حسب مورد، اعم از اضطرار است. چه بسا انسان به چیزی اضطرار ندارد، ولی ضرورت اقتضای انجام آن را دارد؛ مثل اینکه انجام ندادن آن کار موجب زیان رسیدن به سرزمین مسلمین یا حاکم اسلامی و یا سبب هتک حرمت شخصیت محترمی می‌شود. (خمینی، ۱۳۷۸: ۳۳)

اضطرار در مفهوم لغوی آن از ریشه «ضرر» به معنای ناچار بودن از پذیرش ضرر و آسیب است و اسم مصدر آن ضرورت است. (لسان العرب، ذیل واژه اضطرار) اضطرار استثنائی بر تکالیف مکلف است و هنگامی مصداق پیدا می‌کند که خطری عمده پیش آید. آنگاه برای رفع خطر «حرام» حرمت خود را نسبت به مکلف از دست می‌دهد و گاه بصورت واجب نیز در می‌آید. (الخلاف، ج ۲: ۵۴۲)

نکته بسیار مهم اینست که گاهاً بدلالی و در حالت اضطرار ناچار به برقراری روابط با دشمنان می‌باشیم. این حالت اضطرار نباید ضرورت شناخت دشمن را تحت تاثیر قرار داده و بواسطه اضطرار روابطی و مذاکراتی برقرار شود که از شناخت دسیسه‌ها و توطئه‌های دشمن غافل شده و باعث تسلط و یا پایمال شدن منافع ملی و حیثیت اسلامی گردد. به بیان دقیق‌تر اینکه در

حالت اضطرار در برقراری روابط بین الملل و مذاکرات نباید از اصل ضرورت شناخت دشمن و توطئه‌ها غافل شده و اضطرار مانع ضرورت شناخت از دشمن گردد.

به‌عنوان مثال می‌توان به هدنه (قرارداد ترک مخاصمه) اشاره کرد که قرارداد بین‌المللی اسلامی است. این قرارداد در صورت بروز ضرورت، جایز می‌شود در حالی که اضطرار در مورد آن مفهومی ندارد. همچنین است دادن امتیاز به دشمن در موقعی که مسلمین در ضعف قرار دارند. بر این اساس چنانچه منافع حیاتی و مصالح اسلامی دولت اسلامی به خطر افتاد دولت اسلامی می‌تواند از انجام تعهدات بین‌المللی خودداری کند. با این اوصاف به نظر می‌رسد که قاعده اضطرار، علی‌رغم نزدیکی آن به ضرورت، تاب گسترش مفاهیم ضرورت را نداشته و ضرورت از چنین ظرفیتی دارا می‌باشد.

۲- اصول و قواعد ارتباط بر اساس نوع دشمنی

با هر یک از دشمنان، چه عقیدتی و چه غیرعقیدتی باید با توجه به موقعیت دشمنی و ابعاد و ظرفیت‌ها و اوضاع و شرایط، برخورد و ارتباط و تعامل داشت. بنابراین نمی‌توان همه دشمنان را در یک سطح ارزیابی و یا شرایط را یکسان دانست. دشمنان عقیدتی بسیار خطرناک هستند و می‌بایست در دیپلماسی به این نکته توجه داشت که دشمن عقیده هرگز قابل اعتماد نیست و صلح و دوستی آنان تنها برای کسب موقعیت و تغییر شرایط است و صلح و دوستی از بنیاد ناپدیدار و بی‌ثبات و بی‌استمرار است. با این همه مهمترین اصول و قواعدی که اسلام در دیپلماسی و روابط با دشمنان اسلام و مسلمانان مطرح کرده عبارتند از:

۲-۱- اخلاق مداری: هیچ‌گونه دشمنی هرگز مجوزی نمی‌شود تا اصول اخلاقی در تعاملات و ارتباطات نادیده گرفته شود. این رفتار برگرفته از آیات قرآن می‌باشد. در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: *وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِیْ هِیَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِیْ بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیْمٌ* و هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست، همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است) پاداش ده (و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است دوست و خویش تو گردد. (فصلت، آیه ۳۴) در تفسیر المیزان در ذیل این آیه آمده است: معنای آن این است که: بدی را با خصلتی که مقابل آن است دفع نما، مثلاً باطل آنان را با حقی که نزد تو است دفع کن نه به باطلی دیگر و جهل آنان را با حلم و بدیهایشان را با عفو و همچنین هر بدی دیگرشان را با خوبی مناسب آن دفع کند. (علامه طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۷، ۵۹۴)

رابطه حکومت اسلامی با دارالکفر در زمانی که دارالکفر با اسلام و مسلمین دشمنی نداشته باشد رابطه مسالمت آمیز و براساس احترام متقابل است. صاحب جواهر می‌گوید: متارکه جنگ و داشتن روابط با دارالکفر در سال‌های متممادی ممکن است برقرار باشد هر گاه عذری باشد

مانند، ناتوانی مسلمانان در نیروها و تسلیحات جنگی و یا وجود مانعی از جهاد مانند نبودن آب در راه و مانند آن و یا امید داشتن برای ترغیب کافران به اسلام و هرگاه برای مسلمانان مصلحتی در جنگ نکردن باشد جائز است و یا واجب است که جنگ نباشد. (جواهرالکلام، ج ۲۱: ۴۹) بنابراین هر سرزمینی که دارالکفر باشد جنگ و جهاد با آن لازم نیست.

۲-۲- پرهیز از تحریک: یکی از اصول و قواعد دیپلماسی خصوصی و عمومی در تعامل و ارتباط با دشمنان، لزوم پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز است. خداوند در آیه ۱۰۸ سوره انعام بر این موضوع تاکید می‌نماید.

۳-۲- تقوای عدالتی: از دیگر اصول بنیادین در اسلام تقوا و عدالت برخاسته از آن است. عدالت شاخصه مسلمانی و نزدیکی به تقواست. بنابراین، لازم است نسبت به دشمنان نیز مراعات شود. (مائده آیه ۲)

۴-۲- احترام: از دیگر اصول دیپلماسی اسلام، احترام به دشمن است. خداوند در آیه ۲ سوره مائده بر لزوم احترام به حقوق دشمنان و پرهیز از تعدی به آنان به بهانه دشمنی تاکید دارد.

۵-۲- وفای به عقود: اگر با دشمن پیمانی بسته شود التزام به آن واجب است و هرگز نباید خارج از تعهدات عمل نکرد مگر آنکه دشمن خود تعهدات را نادیده گیرد و زیر پاگذارد. (مائده، آیه ۲)

۶-۲- اجتناب از تعدی: از آنجا که تعدی و تجاوز حتی به دشمنان، حاکی از بی‌تقوایی است؛ در تعاملات و ارتباطات با دشمن نباید به حقوق او تعدی و تجاوزی صورت گیرد. (مائده، آیه ۲) علامه حلی می‌گوید:

هرگاه مسلمانان نیاز به روابط مسالمت آمیز با کفار داشته باشند از جهت ناتوانی مقاومت در برابر آنها یا مصلحتی در اینگونه رابطه باشد و یا امیدی باشد به مسلمان شدن کفار، می‌توان ترک جهاد کرد. (منتهی‌المطلب، ۱۴۱۲: ۳۵۳) در قرآن نیز اشاره‌ای به رابطه مسالمت آمیز میان گروه‌های مختلف و پیروان ادیان شده است:

ان الذین آمنوا و الذین هادوا و النصارى و الصائبين من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که به آیین یهود گرویده‌اند و نصاری و صائبان هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند پاداش شان نزد پروردگارش هست و هیچ گونه ترس و اندوهی بر آنها نیست. (بقره، آیه ۶۲)

همچنین قرآن جنگ با کفار را در هر حال و در هر زمان نخواست، بلکه آن را مشروط قرار داده و در حالت خاصی مشروع دانسته است: انما ینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین

و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبرؤهم تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین انما ینهاکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من یتولهم فاولئک هم الظالمون؛ خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نرانند نهی نمی‌کند، چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد، شما را تنها از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون رانند و یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد ستمگر است.

در این دو آیه خداوند میزان دوستی و دشمنی با کافران را بیان داشته در آیه اول می‌فرماید: اگر کافران با شما دشمنی نداشته باشند و با شما پیکار نکنند و شما را از خانه‌های‌تان بیرون نرانند با آنها رابطه دوستی برقرار کنید و با آنها دشمنی نداشته باشید و در آیه دوم می‌فرماید: کسانی که با شما سر جنگ دارند و شما را از خانه و سرزمین خودتان بیرون می‌کنند با آنها دشمنی داشته باشید و نباید رابطه حسنه با آنها برقرار نمائید و هر کس با آنها در این حال دوستی داشته باشد از ستمگران خواهد بود.

براین اساس هر چند زندگی اجتماعی انسانها همراه با جنگ و صلح است و رابطه‌ها یکسان نمی‌ماند، لکن رابطه مسالمت آمیز، هدف نهایی زندگی در جوامع بشری است که پیامبران از طرف خدا برای برقرار ساختن آن مبعوث شده‌اند.

۲-۷- اجتناب از تسلط: دولت و امت اسلامی می‌بایست به گونه‌ای عمل کند که دشمنان بر جامعه اسلامی تسلط پیدا نکنند و سلطه و ولایت آنان بر جامعه اسلامی برقرار نشود. (نساء، آیه ۱۴۱) خداوند در آیه ۲ سوره ممتحنه می‌فرماید که اگر دشمنان بر جامعه اسلامی سلطه یابند به تحقیر و توهین و نیز آزار و اذیت مسلمانان می‌پردازند.

۳- اثر عدم شناخت دشمن در روابط بین‌الملل

بنیان حقوقی روابط خارجی در اسلام بر پایه شریعت استوار می‌باشد. منابع اصلی شریعت در اسلام قرآن سنت و همچنین اجماع و عقل می‌باشند. فقه که برآمده از شریعت می‌باشد مشتمل بر هزاران مسئله و موضوعی است که از زندگی انسانها ناشی می‌گردد. در منظر اسلام ایجاد هر نوع رابطه باید بر اساس حفظ عزت و سربلندی اسلام و مسلمانان باشد و راه تسلط بیگانگان بسته باشد. در ایجاد و برقراری روابط در سطح بین‌الملل که در دنیای امروزی یک نیاز می‌باشد لازمه ارتباط با سایر کشورها شناخت صحیح و درست از کشور مقابل است. شناخت عمیقی که باعث شناخت و جدا نمودن دشمن از دوست می‌گردد. شناخت دشمن در عرصه دیپلماسی و مذاکره یک امر مهم و واجب است. با عدم شناخت از دشمن چه بسا خسارات جبران

ناپذیری برای کشور از جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بوجود می‌آید. اثرات و پیامد-هایی که در اثر عدم شناخت دشمن در روابط بین‌الملل ممکن است داشته باشد عبارتند از:

الف- خدشه دار شدن عزت و اقتدار کشور ب- غارت و چپاول منابع و سرمایه‌های کشور

ج- فروپاشی حکومت کشورها و تسلط بر نظام حکومتی

۴- راهکارهای مقابله با دشمن

یکی از مهمترین موضوع بعد از شناخت دشمن و دسیسه‌ها و مکر آنها شناخت راهکارهای مقابله با آن می‌باشد. موضوعی که تمام کشورها در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهند و به اصطلاح یک اقدام متقابل و تلافی جویانه انجام می‌دهند. این موضوع در عرصه سیاسی و بین‌المللی حتما باید مورد توجه سیاستمداران و مذاکره‌کنندگان قرار گیرد. در دنیای امروزه در عرصه‌های دیپلماسی و روابط با سایر کشورها گاه‌گاه شاهد بدعهدی‌ها و حتی نقض تعهدات و پیمان‌ها می‌باشیم لذا باید از قبل پیش‌بینی راهکارهای مناسب و متناسب با اینگونه موارد داشته باشیم. این موضوع حتی در سخنان گهربار ائمه اطهار^(ع) نیز وجود دارد. امام علی^(ع) می‌فرمایند: «تکادون ولا تکیدون و تنتقص اطرافکم فلا تمتعضون لا ینام عنکم و انتم فی غفله ساهون غلب والله المتخاذلون» دشمن طرح‌های مکارانه دارد ولی شما هیچگونه برنامه جهت خنثی سازی طرح‌های آنان ندارید به محدوده‌های تحت اختیار شما حمله و آنها را تصرف می‌کنند و شما ناراحت نمی‌شوید، دشمن در مبارزه با شما به خواب نمی‌رود ولی شما در غفلت و فراموشکاری هستید به خدا سوگند چنین افراد (بی برنامه و بی تفاوت و غافل) شکست خورده و مغلوبند. (نهج البلاغه، خطبه ۳۴)

حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «أَقْتَلُ الْأَشْيَاءَ لِعِدْوِكَ إِلَّا تُعْرِفَهُ أَنْكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا» کشنده-ترین چیزها برای دشمن آن است که به او نفهمانی که او را دشمن خود گرفته‌ای. حضرت در عهدنامه بعد از آن که مالک را سفارش به پذیرش صلح شرافت‌مندانه می‌کند، می‌فرماید: «و لکن الحذر کل الحذر من العدو ک بعد صلحه فان العدو بما قارب لیتغفل فخذ بالحزم و اتهم فی ذلک حسن الظن؛ (۱۶) زنه‌ار، زنه‌ار سخت از دشمنت پس از پذیرش صلح برحذر باش، چرا که دشمن گاهی نزدیک می‌شود که غافلگیر سازد. بنابراین دوراندیشی را به کار گیر و در این موارد خوش-بینی را متهم کن». (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

از راهکارهای مقابله با دشمن می‌توان به چند مورد اشاره نمود:

۱- حفظ وحدت

باید توجه داشت که تمسک به اصل وحدت و انسجام کشورهای اسلامی یکی از عوامل بسیار حیاتی مقابله با دشمن می‌باشد. قرآن کریم در ضمن آنکه همگان را به همگرایی و همبستگی

فرا خوانده است، از وحدت اسلامی به عنوان نعمت یاد کرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است. (واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا واذکروا نعمه الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا...) همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یک دیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید. (آل عمران، ۱۰۳)

امام علی (ع) فرمود: هیچ ملتی درباره انجام کاری باهم متحد نشد جز اینکه نیرو و قدرت پیدا کرد و هیچ ملتی از این قدرت بهره نگرفت مگر اینکه خداوند گرفتاری آنان را بر طرف کرد و آنها را از بلای ذلت نجات داد. (ابی الحدید، ۴۹عق، ج ۳: ۱۸۵) شهید مطهری می نویسد: مقصود از وحدت چیست؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود... و یا اینکه وحدت اسلامی هیچ ربطی به وحدت مذهب ندارد؟ مقصود از اتحاد مسلمین اتحاد پیروان مذاهب مختلف در عین اختلافات در برابر بیگانگان است... (و) متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان. (مشعل اتحاد: ۷۰)

۲- افزایش بصیرت و هوشیاری

باید توجه داشت که بدون بصیرت، هوشیاری و دشمن شناسی، نمی توان بر توطئه های دشمنان پیروز شد. برای تحقق یک جامعه صالح، باید بصیرت افراد ارتقا یابد و نخستین شرط لازم برای کسب چنین بصیرتی، بالا بردن درجه شناخت افراد در حوزه های مختلفی همچون حوزه دینی، اعتقادی، اخلاقی، ارزشی و مواردی نظیر آن است. البته این شناخت، به تنهایی، برای کسب بصیرت کافی نیست و باید در کنار ارتقای دانش خود، تهذیب اخلاق نیز کرد و اراده را به گونه ای تقویت کرد که اگر شخص متوجه شد باید کاری را انجام دهد، کوتاهی نکند. شناخت موقعیت ها برای اتخاذ تصمیم مناسب، همواره اهمیت دارد؛ زمانی که راهی کاملاً روشن است و ابهامی در آن نیست و روش های طرف مقابل هم کاملاً مشخص است، پیروزی چندان دشوار نیست. اما در هر جا فتنه ای رخ می دهد، شاهد درهم تنیده شدن مسائل، ایجاد ابهام ها و درهم آمیختن حق و باطل خواهیم بود. در این صورت، تشخیص راه صحیح از غیر صحیح دشوار خواهد شد و حتی ممکن است افراد هوشیار و زیرک هم فریب خورند. اگر وضع همین گونه پیش رود، امکان دارد کار بدانجا کشیده شود که عده ای را به فساد کشاند، خون ها ریخته شود و ظلم ها بشود، و کسانی بدون آنکه بخواهند به این سمت کشیده شوند؛ اما اگر عوامل ایجاد فتنه در جامعه، از قبل مشخص باشد، افراد بصیر در دام آن فتنه گرفتار نخواهند شد. لازمه مقابله با فتنه دشمنان و مقابله با آنها افزایش بصیرت و بینش درست و هوشیاری در برابر توطئه ها و حیل های دشمن است. مقام معظم رهبری در مورد بصیرت می فرمایند: بصیرت در واقع مجموعه ای از شناخت ها

است: «بصیرت، روشن‌بینی، یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است.» (۱۳۹۳/۹/۶)

۳- صبر و تقوا و استقامت

یکی دیگر از راه‌های مقابله با دشمنان داشتن صبر و استقامت و تقوای الهی می‌باشد. آنچه از سیره پیشوایان در مورد مقابله با دشمنان برای ما معلوم می‌شود و ائمه اطهار^(ع) به همگان توصیه فرموده‌اند موضوع صبر و استقامت و توکل به خداوند می‌باشد که راهکار مهم مقابله با دشمن می‌باشد. مقام معظم رهبری نیز با تأکید بر این موضوع در سخنان خود می‌فرمایند: «خداوند برای مقابله‌ی با دشمنی‌ها به پیغمبر دستورالعمل داد؛ از اول بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد. در سوره‌ی مدثر که جزو همان سوره‌های اول بعثت است، می‌فرماید: وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ؛ (مدثر، ۷) صبر کن برای خدای خودت. در سوره‌ی مزمل که آن هم جزو همان سوره‌های اول قرآن است، می‌فرماید که «وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ». (مزمل، ۱۰) در جاهای دیگر قرآن هم مکرراً این معنا هست. در دو جا [می‌فرماید]: وَ اسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ؛ (شوری، ۱۵) استقامت کن؛ هم در سوره‌ی هود هست، هم در سوره‌ی شوری هست. بنابراین، دستورالعمل وارد شده است. حالا صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظار نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را و محاسبات دقیق خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیری اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود (همچنان که در قرآن هست «أمرهم شوری بینهم») (شوری، ۳۸) قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد».

۴- مبارزه با فتنه و افراطیون

یکی دیگر از راه‌های مقابله با دشمن مبارزه با فتنه می‌باشد. هر چند شناخت فتنه با توجه به تلاش پنهانی و گمراه کننده آن دشوار است و همین ویژگی فتنه باعث می‌شود که برخی از افراد در دام آن گرفتار شوند. اما مهمترین عامل شناخت فتنه، برخورداری از بصیرت و شناخت لازم است. در سایه بصیرت و شناخت مناسب است که انسان می‌تواند فتنه‌ها را شناسایی نموده و برخورد مناسب با آن داشته باشد. یکی از معیارهای مهم شناخت فتنه‌ها و افراطیون، شناخت حق و باطل و سنجش افراد بر اساس آن است نه اینکه افراد ملاک و معیار سنجش حق و باطل قرار بگیرند. حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «انَّ الحقَّ لا یعرف بالرجال اعرف الحقَّ تعرف اهلَه»

همانا حق به شخصیت‌ها شناخته نمی‌شود، خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی». (محمدی ری شهری، ج ۳: ۱۲۳۸)

مقام معظم رهبری در مورد توطئه و فتنه دشمنان می‌فرماید: دشمنان بیکار نمی‌نشینند، نقشه می‌کشند؛ هنر این است که نقشه و توطئه‌ی دشمن را، نقطه‌ای را که آماج حمله‌ی دشمن است، بشناسیم و برای مواجهه و مقابله‌ی با او، برای خنثی کردن کار دشمن، طرح، انگیزه و فکر داشته باشیم. (۱۳۹۵/۸/۲۶)

اصول سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

پایه ریزی روابط خارجی نظام اسلامی ایران را باید در خطابه‌ها و مصاحبه‌های امام خمینی یا بنیانگذار نهضت در سال‌های انقلاب، به ویژه در هنگامه سقوط نظام شاهنشاهی ردیابی کرد. ایشان در آن دوران، بر معیارهایی تکیه نمود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی تجلی پیدا کردند. اصولی که تحرک تازه‌ای در روابط بین‌الملل جهان اسلام به وجود آوردند عبارتند از:

الف. نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری

رهبری انقلاب حکومت اسلامی را چنان هدایت نمود و این شعار در تار و پود نظام به گونه‌ای نفوذ کرد که حذف آن مساوی با تبدیل نظام تلقی می‌گردد. در آثار امام خمینی^(۵) بیش از سی صد بار به مضمون‌هایی بر می‌خوریم که اصل «نه شرقی، نه غربی» را در دل خود دارند و بیش از دویست بار واژه استقلال را که از بُعدی دارای همان معناست، می‌توان دید. (دفتر مطالعات سیاسی - بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مخاطبین در وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی، ۱۳۷۱: ۶۰) تأکید ایشان بر این اصل به این دلیل بود که سیاست «نه شرقی، نه غربی» اصلی است که راهبرد نظام بر آن مبتنی است، نه این که یک شعار سیاسی باشد. اصل مزبور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان اصل سیاست خارجی مطرح است. (اصل ۱۵۲، ۱۵۳، ۴۳ بند ۸)

امام خمینی^(۵) احیاگر اصل نفی سلطه اجانب سیاست «نه شرقی، نه غربی» در وصیت نامه - اش نیز بر این اصل تأکید نمود: «وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها، چه در سیاست خارجی، حفظ استقلال و منافع کشور در روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد.....».

(خمینی، ۱۳۷۱: ۳۲)

ب. احیای اندیشه «امت اسلامی»

اندیشه «امت اسلامی» مبنای قرآنی دارد (انبیاء ۹۲) و احیای آن می‌تواند عظمت از دست رفته مسلمانان را به جهان اسلام بازگرداند. انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفان بر مستکبران است، در صدد احیای اندیشه امت اسلامی در جهان است. قانون اساسی آن با توجه به محتوای اسلامی که دارد، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر نهضت‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملت‌های محروم در جهان قوام یابد.

به حکم آیه کریمه «أَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء ۹۲) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد». (اصل ۱۱)

ج. حمایت از مبارزات حق طلبانه

حمایت از مبارزات حق طلبانه ملت‌های تحت ستم و نجات آنان از اهداف انبیای الهی^(ع) است. اسلام در این خصوص، توجه خاصی مبذول داشته است. قرآن کریم پیامبر اکرم^(ص) را این‌گونه معرفی می‌کند: لِيُضَعَ عَنْهُمْ إِصْرُهُمْ وَ الْإِغْلَالَ الَّذِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷) از دوش آنان قید و بندهایی را که برای‌شان بوده است بر می‌دارد. از مهم‌ترین قید و بندها، وجود قدرت‌های ستمگر است که باید نفی گردند. در قانون اساسی، بر این امر تأکید شده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». (اصل ۱۵۴)

د. رابطه صلح آمیز با دولت‌های غیرمتحارب

در قانون اساسی، بر داشتن رابطه نیکو با کشورهایی که قصد سلطه و دخالت در امور ایران ندارند، تأکید شده است: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس... روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمتحارب استوار است». (اصل ۱۵۲)

نتیجه‌گیری

شناخت دشمن و اهداف آن یکی از اصول لازم و حتمی در ایجاد روابط در تمام عرصه‌ها بخصوص در سطح بین‌الملل می‌باشد. موضوع دشمن‌شناسی در شریعت مقدس اسلام و در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته و از اثرات و پیامدهای آنها به سیاست مداران و دست

اندر کاران حکومت در ایجاد روابط گوشزد می نماید. آیات قرآن کریم با اشاره به انواع دشمنان از خدعه و نیرنگ آنها صحبت به میان آورده و بر لزوم آگاهی مسلمانان از دشمنان و حيله‌های آنها توصیه می نماید. اهمیت شناخت دشمنان و آشنایی با اصول و قواعد ارتباط با آنها و همچنین راهکارهای مقابله با آن نقش بسیار مهمی در ایجاد روابط با سایر کشورها و روابط بین الملل دارد. در سیاست خارجی و نحوه ارتباط با سایر کشورها در سطح بین الملل در اصول قانون اساسی کشور نسبت به آن اشاره شده است. مسئله مهم در ایجاد روابط بین الملل و مذاکرات اینست که در برقراری روابط در حالت اضطرار نباید ضرورت شناخت دشمن و توطئه‌های آنها مورد غفلت قرار گیرد و اضطرار نافع ضرورت دشمن شناسی نیست. آنچه در این میان حائز اهمیت می باشد اهتمام و شناخت از دشمن توسط سیاست مداران و متولیان برقراری و ایجاد روابط با سایر کشورها در سطح بین الملل می باشد تا ضمن آگاهی کامل از طرف مقابل و اهداف و دسیسه‌های آنها دچار غفلت نشده و با انعقاد قراردادهای ضد مصالح کشور، باعث خدشه دار شدن عزت و اقتدار کشور نگردند، موضوعی که به عنوان دغدغه اصلی مقام معظم رهبری در کشور بوده و بارها در سخنرانی‌ها و بیانات خود با متولیان امر به آن اشاره و آگاهی داده است. اثراتی که عدم شناخت از دشمن و اهداف آنها در برقراری روابط می تواند داشته باشد عبارتند از: الف- خدشه دار شدن عزت و اقتدار کشور، ب- غارت و چپاول منابع و سرمایه‌های کشور، ج- فروپاشی حکومت کشورها و تسلط بر نظام حکومتی. در نظام جمهوری اسلامی ایران اصول سیاست خارجی در ایجاد روابط و مذاکرات با دشمنان بر پایه: الف- نفی هرگونه سلطه پذیری و سلطه جویی ب- احیای اندیشه امت اسلامی ج - حمایت از مبارزات حق طلبانه و د- رابطه صلح آمیز با دولت‌های غیرمتحارب استوار می باشد.

منابع فارسی

کتب

- تیبی، بسام (۱۳۸۷)، اسلام، آزادی و دموکراسی در جهان عرب، گروهی از نویسندگان، دین و روابط بین‌الملل، ترجمه عسگر قهرمانپور بناب، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، اصول روابط بین‌الملل در نظام اسلامی، در محمود واعظی، همایش ملی دین و روابط بین‌الملل، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک

- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵)، معارف و معاریف، تهران: گیسوم
- حنفی، حسن (۱۳۸۰)، رابرت کاکس، رئالیسم نو: چشم اندازی بر چندجانبه گرایی و نظم جهانی، ترجمه مهدی رحمانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- سیف‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۶)، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۲)، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، مجموعه آثار، جلد ۳ (ولاءها و ولایت‌ها)، تهران: انتشارات صدرا
- مظفری، آیت، اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، تهران: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی تا

منابع عربی

کتب

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آمدی، ابوالفتح (۱۳۷۵ق)، غررالحکم و دررالکرم، ایران، دارالکتب الاسلامیه
- ابن اثیر، مجد الدین مبارک بن محمد (۴۱۵ق)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، بیروت، دارالکتب العلمیه

- ابن منظور (۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی
- حلی، حسن بن یوسف (۴۱۲ق)، منتهی المطلب، ایران، مجمع البحوث الاسلامیه
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الشامیه، چاپ اول
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه